

## نقش مادرانگی در زنان قهرمان داستانهای شوهر آهو خانم و پرند من

طاهره روزبهرانی، حجت‌اله غ منیری\*

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

سال هجدهم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۹، صص ۷۵-۵۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7784>

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** نقد کهن‌الگویی از شاخصه‌های نقد روانشناسی نوین است که بخوبی قادر است بعنوان معیار و ملاک سنجش، نقد و ارزیابی آثار ادبی عمل نماید. یکی از جمله هدفمندترین نظریات نقد کهن‌الگویی، نظریه کارل گوستاو یونگ روانشناس سوئیسی (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م) است. از جمله کهن‌الگوهایی که یونگ مطرح میکند، کهن‌الگوی مادر مثالی یا مادر ازلی است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل و بررسی دو رمان برجسته پرمخاطب معاصر یعنی رمان شوهر آهو خانم از علی محمد افغانی و پرند من اثر فریبا وفی بر اساس رویکرد کهن‌الگویی مادر ازلی است.

**روش پژوهش:** روش مطالعه در این مقاله شیوه توصیفی - تحلیلی بشیوه مطالعه کتابخانه‌ای است. جامعه آماری پژوهش شامل دو رمان شوهر آهو خانم و پرند من میباشد که با روش نقد کهن‌الگویی یونگ بر اساس کهن‌الگوی مادر مثالی به تحلیل و ارزیابی آنها خواهیم پرداخت.

**یافته‌های پژوهش:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کهن‌الگوی مادر مثالی در شخصیت افراد بسیار تأثیرگذار است بگونه‌ای که هیچ یک از افراد بشر از تأثیر آن بر کنار نیستند؛ در داستان شوهر آهو خانم و پرند من نموده‌های مثبت و منفی کهن‌الگوی مادر مثالی قابل مشاهده است.

**نتایج پژوهش:** نتایج حاصل از پژوهش نشان میدهد که در رمان شوهر آهو خانم اثر علی محمد افغانی دو نمود اصلی از کهن‌الگوی مادر ازلی (مثالی) در شخصیت آهو بعنوان کهن‌الگوی مادر در قالب نموده‌های مثبت، باروری، زایایی و تقدس منعکس شده است و در مقابل هما نمودی از کهن‌الگوی مادر در قالب منفی است که فرزندان خود را ترک کرده است. در داستان پرند من راوی نمودی از کهن‌الگوی مادر ازلی مثبت، مادر راوی، کهن‌الگوی مادر ازلی منفی و خاله محبوب، نمودی از کهن‌الگوی جایگزین مادر است.

تاریخ دریافت: ۲۵ مهر ۱۴۰۴  
تاریخ داوری: ۲۷ آبان ۱۴۰۴  
تاریخ اصلاح: ۱۰ آذر ۱۴۰۴  
تاریخ پذیرش: ۲۶ دی ۱۴۰۴

#### کلمات کلیدی:

کهن‌الگو، یونگ، مادر ازلی، شوهر آهو خانم، پرند من.

\* نویسنده مسئول:

[Hojatolah.Ghmoniri@iaua.ac.ir](mailto:Hojatolah.Ghmoniri@iaua.ac.ir)

۴۲۵۱۸۰۰۰ (۹۸ ۶۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Role of Motherhood in the Protagonist The Madam Ahou s Husband and My Bird

T. Roozbahani, H. Gh. Moniri\*

Department of Persian Language and Literature, Boroujerd Branch, Islamic Azad University, Boroujerd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 October 2024  
Reviewed: 17 November 2024  
Revised: 30 November 2024  
Accepted: 15 January 2025

KEYWORDS

Archetype. Jung. Eternal mother.  
MadamAhou s Husband. My Bird.

\*Corresponding Author

✉ [Hojatolah.Ghmoniri@iau.ac.ir](mailto:Hojatolah.Ghmoniri@iau.ac.ir)

☎ (+98 66) 42518000

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Archetypal criticism is one of the characteristics of modern psychological criticism that is well able to act as a criterion and criterion for measuring, criticizing, and evaluating literary works. One of the most targeted theories of archetypal criticism is the theory of the Swiss psychologist Carl Gustav Jung (1875-1961 AD). Among the archetypes that Jung proposes is the archetype of the exemplary mother or the eternal mother. The main objective of this research is to analyze and examine two prominent and popular contemporary novels, namely the novel The Madam Ahou s Husband by Ali Mohammad Afghani and My Bird by FaribaVafi, based on the approach of the archetype of the eternal mother.

**METHODOLOGY:** The study method in this article is a descriptive-analytical method in the form of a library study. The statistical population of the study includes two novels, The Madam Ahou s Husband My Bird, which we will analyze and evaluate using Jung's archetype criticism method based on the archetype of the exemplary mother.

**FINDINGS:** The research findings indicate that the archetype of the exemplary mother is very influential in the personality of individuals, such that no human being is exempt from its influence; in the story The Madam Ahou s Husband and My Bird, positive and negative manifestations of the archetype of the exemplary mother can be seen.

**CONCLUSION:** The results of the study show that in the novel The Madam Ahou s Husband by Ali Mohammad Afghani, two main manifestations of the archetype of the eternal (ideal) mother are reflected in the character of Ahu as the archetype of the mother in the form of positive manifestations, fertility, fecundity and holiness, and in contrast, Homa is a manifestation of the archetype of the mother in the negative form, who has abandoned her children. In the story My Bird, the narrator is a manifestation of the positive eternal mother archetype, the narrator's mother is a manifestation of the negative eternal mother archetype, and the beloved aunt is a manifestation of the substitute mother archetype.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7784>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 30	 0	 0

## مقدمه

نقد مبتنی بر اندیشه‌ها و نظریات فروید<sup>۱</sup> (۱۹۳۹ - ۱۸۵۶ م) را نقد روانشناسانه<sup>۲</sup> نامیده‌اند که شاخه‌های مختلف از جمله نقد روانکاوی<sup>۳</sup> را در برمیگیرد و ناخودآگاه و تجلیات روحی و فرهنگی آن را تحلیل و ارزیابی میکند. فروید بر آن بود که روح و روان انسان مانند دالان یا راهرویی است که در آن شمع روشن است و آن بخش که با این نور روشن و آشکار میشود خودآگاه است و بخش دیگر ناخودآگاه. یونگ<sup>۴</sup> (۱۹۶۱ - ۱۸۷۵) شاگرد فروید به بخشی تاریکتر نیز قائل شد و آن را ناخودآگاه جمعی<sup>۵</sup> نامید و پس از آن اصطلاح آرکی تایپ یا کهن‌الگو را در آثار خویش مورد توجه قرار داد. «از نظر یونگ، ناخودآگاه جمعی بر روان فرد حق تقدم دارد و آرکی تایپ وی بی‌شبهت به دنیای مثالی افلاطون نیست و این تصاویر ازلی، فراتر از شخص و خارج از دایره زمانی تاریخ و متعلق به زمان نوعی و حیات آلی است» (الیاده، ۱۳۹۳: ص ۹۶). کهن‌الگوها<sup>۶</sup> مجموعه تصاویر، نمادها و مفاهیم مشترک میان اقوام گوناگون و ملل جهان هستند که بدلیل تکرار و بازیابی دوباره آنها در اذهان آدمی، به آثار ادبی و هنری راه یافته‌اند و جلوه‌ای از آما، آرزوها و خواسته‌های فردی و جمعی بشر میباشند که زمینه‌ساز آفرینشهای هنری بحساب می‌آیند. ناخودآگاه جمعی شامل کهن‌الگوهایی از جمله مادر مثالی، نقاب<sup>۷</sup>، آنیما<sup>۸</sup> و آنیموس<sup>۹</sup>، خویشتن<sup>۱۰</sup>، سایه<sup>۱۱</sup>، قهرمان<sup>۱۲</sup> و... است. یونگ در مطالعات و پژوهشهای خود به عناصر زنانه در قالب نماد مادر توجه نمود. وی با مطرح کردن این الگو ارتباط میان ضمیر ناخودآگاه جمعی و فردی و نمادهای مختلف آن را در قالب الوهیت، تقدس، زایایی، باروری و حاصل‌خیزی و سایر صفات بارز مادرانگی بتصور کشید؛ صفاتی چون حمایتگری، پاکي، قداست، قدرت، وفاداری و یاریگری که همگی ردپایی از کهن‌الگوی مادرانگی بشمار می‌آیند. بازتاب کهن‌الگوها در آثار هنری میتواند در قالب نمادهای گوناگونی جلوه‌گر باشد.

در این مقاله پاسخ به پرسشهای زیر مورد توجه است که مؤلفه‌های کهن‌الگوی مادرانگی در دو داستان شوهر آهو خانم از علی محمد افغانی و پرنده من اثر فریبا وفی چگونه است و این کهن‌الگوها در شخصیت‌های داستان چه تأثیراتی بر جای گذاشته‌اند؟

## ضرورت و هدف پژوهش

روشهای نقد نوین بویژه روانشناسی تحلیلی به بررسی و تحلیل لایه‌های زیرین یک اثر میپردازد و از همین‌رو زمینه را برای شناخت و دریافت ایدئولوژی مسلط بر متن، بصورت بیشتری فراهم می‌نماید با چنین بررسیها و ارزیابیهایی میتوان بخوبی دریافت که اندیشه حاکم بر شخصیت‌های داستانی از نظر گوینده (اعم از شاعر یا نویسنده) چه چیزی

1. Freud
2. Psychological review
3. Psychological lysis
4. jung
5. Collective unconscious
6. Archetype
7. persons
8. Anima
9. Animus
10. The self
11. The shadow
12. Hero

است. آثار وفی و افغانی بویژه دو اثر پرنده من و شوهر آهو خانم آثاری زنانه‌اند که ایدئولوژی حاکم بر آن بر محور زنانگی و مادرانگی نمود یافته است.

از این رو هدف اصلی این مقاله تحلیل و واکاوی چگونگی تأثیرپذیری کهن‌الگوی مادرانگی در ساخت و پردازش شخصیت‌های زن در دو داستان یاد شده است. جهت پاسخ به سؤالات و دستیابی به اهداف پژوهش، دیدگاه‌های کهن‌الگویی یونگ و ویژگی‌های کهن‌الگوی مادرانگی ارزیابی خواهد شد. بدیهی است که بررسی و ارزیابی یک داستان در کنار توجه به تأملات و اندیشه‌های انسان امروزی و مسائل فرهنگی و اجتماعی سبب گستردگی و تنوع مفهومی در یک اثر شده و احتمال برداشت درست از شاکله یا بن‌مایه اثر با مبنا قرار دادن نظریات محققان و اندیشمندان برجسته بویژه در حوزه اسطوره‌پژوهشی و کهن‌الگویی، میتواند بستری مناسب جهت شناخت متون ادبی بویژه آثار مرتبط با زنان را فراهم نماید.

### روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله از نوع کیفی<sup>۱</sup> و تحلیل نظری است و پیرامون تحلیل داده‌ها از روش نقد اسطوره‌شناختی تحلیلی یونگ بهره خواهیم گرفت. واحد تحلیل، شخصیت قهرمان زن در دو داستان شوهر آهو خانم از علی محمد افغانی و پرنده من از فریبا وفی میباشد.

### پیشینه پژوهش

تا آنجا که نگارندگان بررسی نموده و مطالعه کرده‌اند، تاکنون موضوع این پژوهش با رویکرد کهن‌الگویی یونگ مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفته است و بیشتر پژوهشگران به بحث و بررسی پیرامون شخصیت‌های زن در داستان شوهر آهو خانم و پرنده من پرداخته‌اند و ارزیابی و تحلیل در مورد نقش مادرانگی از منظر کهن‌الگویی یونگ در زنان قهرمان این دو داستان مورد توجه قرار نگرفته است. از میان پژوهش‌های نسبتاً مرتبط با مقاله پیش‌رو میتوان به این موارد اشاره نمود:

عاتکه و رسمی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی تطبیقی کهن‌الگوی مادر مثالی در قصه‌های گویچک فاطما و یه یشین سیندرلاهای ایران و چین بر مبنای روانشناسی تحلیلی یونگ» بر مبنای قصه‌های سیندرلا بعنوان قصه‌های محبوب پریان در جهان دو قصه سیندرلا در ادبیات چین و آذربایجان را تحلیل و ارزیابی نموده و نتیجه گرفته‌اند که بنمایه هر دو قصه مشابه است و در هر دو قصه کهن‌الگوی مادر ازلی در قالب عناصر طبیعی، سیمای واقعی مادر و نامادری متجلی شده است.

سقایان و صحاف مقدم (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جلوه‌های کهن‌الگوی مادر در نمایشنامه اسبهای آسمان خاکستر می‌بارند با تکیه بر آرای یونگ» کهن‌الگوی مادر در وجه حقیقی شامل حمایتگری، پاکی، الوهیت، آفرینندگی و... را در قالب نمادهای مطرح شده در نمایشنامه مذکور تحلیل کرده‌اند.

روزبهنایی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کهن‌الگوی مادر [امام وطن] در رمان جای خالی سلوچ» مرگان شخصیت اصلی رمان جای خالی سلوچ را تمثیلی از کهن‌الگوی مادر دانسته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که کهن‌الگوی مادر در داستان مزبور در قالب مادری فداکار با تقدس و حرمت ظاهر شده است و تداعی‌کننده مام وطن میباشد.

۱. Qualitative Research method

ستاری و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تجلیکهن‌الگوی مادر مثالی در حماسه‌های ملی ایران بر اساس نظریه روانشناختی یونگ» نمادهایی چون آب، چشمه، باد، گیاه، کوه، غار و آتش را بعنوان نمادهای مادرانه و تجلی کهن‌الگوی مادر مثالی بر طبق اندیشه یونگ مطرح نموده و بیان کرده‌اند که این کهن‌الگو در فرایند فردیت قهرمان در داستانهای حماسی نقش بسیار مؤثری دارد.

در خصوص نقد و ارزیابی دو رمان شوهرآهو خانم و پرنده من نیز میتوان به برخی از مهمترین پژوهشهای انجام شده اشاره نمود:

حاجی محمدی و زیرک (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی تغییر عادت‌واره‌ها و سرمایه‌های سلبی - ایجابی در شخصیت زنان راوی در رمان پرنده من از فریبا وفی و دفترچه ممنوع از آلبادسس پدس بر اساس نظریه پی‌یر بوردیو» انفعال زنان در فضاهای اجتماعی بسیار اندک است و زنان بعنوان شخصیت‌های اصلی دو رمان یاد شده در میدانهای اقتصادی و اجتماعی، بصورت ناکارآمدی به تصویر کشیده شده‌اند.

مشفق و دوستی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رمان پرنده من اثر وفی بر اساس نظریه عمل پی‌یر بوردیو» کنشگران داستان از جمله زنان را مورد ارزیابی قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که بیشتر این شخصیتها، قربانی خانواده و شرایط اجتماعی هستند.

مالمیر و زاهدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «ساختار روایت زنانه در رمان پرنده من نوشته فریبا وفی» نشان داده‌اند که راوی بکمک بهره‌گیری از زاویه دید من اول شخص، به بیان داستان از زبان یک زن پرداخته است تا بتواند اعتراض زنان را نسبت به مقام و موقعیت آنان بیان کند. گاه این اعتراضات زنانه در قالب توصیف وضعیت موجود است و گاه در قالب اطلاعات تلویحی که بمخاطب عرضه شده است.

مالمیر و زاهدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ساختار روایت زنانه در رمان پرنده من نوشته فریبا وفی» بتحلیل و ارزیابی وضعیت ناگوار زنان در جامعه، خانواده و توجه نویسنده به آگاهی بخشی جهت بهبود وضعیت زنان در این رمان توجه داشته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که عمل محوری در این رمان حضور دائم زن در خانه و آشپزخانه است و مجالی برای حضور در بطن جامعه جز از طریق شیشه پنجره آشپزخانه برای وی در داستان فراهم نمیشود.

مظفری و کاکه رش (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تکامل شخصیت در رمان شوهر آهو خانم با تکیه بر کهن‌الگوهای بیداری قهرمان» نتیجه گرفته‌اند که در رمان شوهر آهو خانم هفت کهن‌الگو در مسیر تشریف قهرمان وجود دارد. رویکرد این مقاله با مطالعه پیش‌رو بلحاظ تحلیل کهن‌الگوهای مادرانه متفاوت است.

## مفاهیم نظری

**رویکرد نقد کهن‌الگویی<sup>۱</sup>:** نقد کهن‌الگویی برگرفته از مکتب روانشناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ است که به تحلیل و بررسی نمادهای ناخودآگاه و ازلی در ذهن انسان میپردازد. بر اساس نظریه روانشناسی تحلیلی یونگ روان انسان از دو بخش اصلی خودآگاه و ناخودآگاه تشکیل شده است. «نقد کهن‌الگویی در حقیقت یکی از زیر مجموعه‌های نقد روانشناختی نوین است. منتقدان این شیوه عمیقاً در جستجوی صورتهای مثالی و کهن‌الگویی در آثار ادبی هستند و به تعبیر دیگر از رابطه ادبیات و هنر با اعماق سرشت بشری سخن میگویند؛ زیرا اثر هنری را تجلی نیروهای پویا و ذاتی برخاسته از اعمال و روان جمعی بشریت می‌انگارند» (امامی، ۱۳۸۵: ص ۲۰۲). یونگ تمامی سازو کارهایی را که انسان بصورت آگاهانه به انجام میرساند، بخش خودآگاه ذهن مینامد که سویه روشن

۱. Archetypal criticism

ذهن آدمی است؛ اما برخلاف خودآگاه، بخش ناخودآگاه ذهن انسان از محدوده ادراک و آگاهی خارج است و سوبه تاریک ذهن او را شامل میشود (ر.ک یونگ، ۱۳۸۷: صص ۶۱ - ۶۲). این بخش از ناخودآگاه را یونگ ناخودآگاه جمعی<sup>۱</sup> نامیده است. «ناخودآگاه جمعی نه از سوی فرد کسب میشود و نه حاصل تجربه شخصی اوست، بلکه امری همگانی است و محتویات آن، زمینه روانی مشترکی را شکل میدهد» (فدایی، ۱۳۸۷: ص ۴۲).

**کهن‌الگو<sup>۲</sup>:** عمده شهرت کارل گوستاو یونگ از پایه‌گذاران مباحث روانکاوای تحلیلی، نظریات وی پیرامون ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوهاست. گرچه مطالعات وی پیرامون اساطیر، ادیان و مذاهب ملل گوناگون، آثار وی را در حیطه تحلیلهای تطبیقی نیز قرار میدهد. یونگ عنصر مهم و تأثیرگذار ضمیر ناخودآگاه را پس از دو دهه مطالعه پیرامون این مسأله در روانشناسی تحلیلی خود معرفی نمود. گرچه پیش از وی این مسأله در اندیشه‌های تجربه‌گرایان و ماتریالیستهایی چون کاروس<sup>۳</sup> و هارتمن<sup>۴</sup> مطرح شده بود. و در نظریات فروید نیز ناخودآگاه محل انباشت خاطرات فراموش شده و واپس رانده شده معرفی شده است؛ اما یونگ سه نوع از ناخودآگاه را برای روان آدمی مطرح نمود:

۱- ناخودآگاه فردی<sup>۲</sup> جمعی و ۳- ناخودآگاه تباری (ر.ک سلاجقه، ۱۳۹۴: ص ۱۱۳). در تعریف هر یک از اینگونه ناخودآگاه آمده است: «ناخودآگاه فردی، بخشی است که ذهن در صورت عدم نیاز یا ناخوشایند بودن آن را می‌راند. ناخودآگاه جمعی آنچه در طول زمان بر تبار انسانی گذشته، آنچه پدران و مادران بشر یکی پس از دیگری در زندگی آموخته‌اند، از ابتدایی‌ترین غرایز حیاتی تا عالیترین و ماندگارترین تمایلات مذهبی و باطنی در اعماق تاریخ نهاد بشر بر هم انباشته شده است. برجسته‌ترین ویژگی ناخودآگاه جمعی، گنجینه نمادها و نگاره‌هایی شگفت و جهانی است که یونگ آنها را آرکی تایپ مینامد که صورت ازلی<sup>۵</sup> و کهن‌الگو نیز ترجمه کرده‌اند. کهن‌الگوهایی مانند نفس مادینه [آنیما] و نفس نرینه [آنیموس] مادر، پیر دانا و جادوگر از این نوع‌اند» (یونگ، ۱۳۹۰: صص ۶۴ - ۶۶). ناخودآگاه تباری حدّ واسط میان ناخودآگاه تباری و ناخودآگاه جمعی قرار می‌گیرد و عبارت است از آنچه که در میان یک قوم یا تبار مشترک است. «این نمادهای کهن بعضاً تصاویر عینی هستند شامل برخی رنگها مانند سبز، سرخ، اشکالی همچون دایره و چهار گوشه، عناصر طبیعی مانند آب و خورشید، اعداد همچون سه و هفت، باغ، بهشت، درخت و بیابان و...» (گرین و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۱۶۶).

بر اساس نظریه یونگ، کهن‌الگو یا آرکی تایپ که با عناوین دیگری از جمله تصویر مثالی، صورت ازلی، نمونه ازلی، کهن نمونه و صور نوعی نیز شناخته میشود بخشی از تجارب مشترک همه انسانها در ادوار کهن هستند که میان همه اقوام مشترک هستند. این کهن‌الگوها که از ناخودآگاه جمعی بشر سرچشمه میگیرند، بصورت تصاویر نمادین ظاهر میشوند (ر.ک ستاری، ۱۶۶: ص ۶۴). «برای شناخت جنبه ناخودآگاه روان آدمی، باید تصاویر و نمادهای مربوط به آن را آشکار کرد و خودآگاهی را در تعامل با ناخودآگاهی قرار داد؛ در نهایت آنچه از این تعامل و رویارویی حاصل میشود، خود جامع و کمالی انسانی است که فرایند فردیت<sup>۶</sup> را پشت سر گذاشته است» (گوردن، ۱۳۷۹: ص ۳۴).

1. Collective un conscious

2. Archetype

3. carus

4. V. Hartman

5. Rimordial Image

6. Individuation

**کهن‌الگوی مادر ازلی یا مادر مثالی:** کهن‌الگوی مادرانگی اصطلاحی است جهت بتصویر کشیدن قدرت و سویه مادرانه و زنانه هستی که تمام صورتهای جهان مادی و گیتیانه از آن بوجود آمده است. «در جهان اساطیری، کلیت جهان هستی به دو سویه آسمان و زمین تقسیم شده است. در بدویترین باورهای جهان باستان، آسمان محل آمد و شد خدایان و جهان نامتناهی اسرارآمیزی بود که عظمت و دور از دسترس بودنش بقداست وصف‌ناپذیر آن در ذهن آدمی منجر میشد. (نیروی زنانه یا مادرانه) در جهان هستی قدرتی ازلی است. در اساطیر یونان گایا بعنوان مادر در کنار اورانوس [پدر] جلوه‌ای آسمانی داشته است. کهن‌الگوی مادر، پرستار، دایه و... بعنوان مادر مثالی معنادارترین تجلی ناخودآگاه جمعی بشری بوده است» (ر.ک یوری، ۱۳۸۲: صص ۳۵۲ - ۳۵۷؛ منزوی و سیف ۱۴۰۳: ص ۱۱۷). به عقیده یونگ پذیرش هر امر مقدس بدون وجود زن، امری ناممکن است از همین رو کهن‌الگوی مادر در ناخودآگاه تباری و جمعی انسانها وجود دارد و در اغلب آثار هنری و ادبی در قالب زن - مادر نمود می‌یابد (ر.ک شوالیه و گربران، ۱۳۸۵: ص ۱۷۹). «کهن‌الگوی مادر با هر نماد و سمبلی در ضمیر ناخودآگاه فردی ریشه دارد. احساس خلاء آن در آدمی با تصویر ازلی آفرینش حوا یا عامل نمادین زنانگی در مار نمود پیدا میکند. این تصویر و تفاسیر مربوط به آن در هر فرهنگ و سلوکی میتواند بصورت یکسان در روان آدمی شکل بگیرد. بدلیل جهان شمول بودن هر دو سویه آن، یعنی مفهوم مادر، ازلی بودن آن و نماد تصویر آن در ذهن بشری در هر بستر فرهنگی فارغ از عقیده و دین همسان است. اما کهن‌الگوها در ادبیات و آثار هنری به اشکال نمادین متنوعی ظهور می‌یابند. کهن مادر جنبه‌های گوناگونی داشته و از دید یونگ ویژگیهای مهم آن از این قرار است: ۱- مادر، مادربزرگ، نامادری و مادر همسر اهمیت بیشتری دارند. ۲- هر زنی که فرد با او ارتباط برقرار کند مانند پرستار، مدیر و... ۳- زنانی که میتوان بصورت مجازی [آنها را] مادر دانست مثل الهه‌ها، ایزدبانو و...» (سقایان و صحاف مقدم، ۱۴۰۰: ص ۴۲۰).

کهن‌الگوی مادر بیان‌کننده غایت و نهایت آرزوی بشر برای رهایی رستگاری و نجات است چرا که کهن‌الگوی مادر با مظاهر باروری، زایایی و زندگی مانند درخت، چشمه، گل، آسمان و زمین در ارتباط است (ر.ک یونگ، ۱۳۹۰: ص ۲۳). نکته حائز اهمیت آنکه میان کهن‌الگوی مادرانگی و آنیما<sup>۱</sup> تفاوت وجود دارد. «آنیما بمعنای نفس مؤنث زن در روان مرد است و نشان‌دهنده ته نشست همه تجارب از زن در میراث روانی مرد است. به اعتقاد صاحب‌نظران، بشر موجودی است از دو عنصر زن و مرد که مکمل یکدیگر هستند آنیما در مکتب یونگ، در مقابل آنیموس یا جنبه مردانه وجود زنان است» (فوردهام، ۱۳۸۸: ص ۸۷).

این کهن‌الگو، صفاتی را آشکار می‌سازد که میتوان از میان آنها به شفقت و اشتیاق مادرانه، مهربانی و انگیزه یاری‌دهندگی اشاره نمود. «کهن‌الگوی مادر شامل هر آن چیزی است که میپروراند و مراقبت میکند و هر آنچه رشد و باروری را در بر میگیرد. مادر بر عرصه دگرگونی جادویی و ولادت دگربار، همراه با جهان زیرین و ساکنان آن فرمان میراند. مادر مثالی در وجه منفی خود ممکن است بر هر چیز نهانی، سرّی و تاریک اشاره کند مثلاً بر مغاک، جهان مردگان، بر آنچه میبلعد، مسموم میکند» (یونگ، ۱۳۹۰: ص ۲۶). کهن‌الگوی مادرانگی یا مادر ازلی یکی از کهن‌الگوهای مهم در نظریه روانشناسی یونگ<sup>۲</sup> است که به مادر حقیقی یا در قالب نمادهایی از جنبه مادرانه در وجود انسان دلالت دارد و در آثار ادبی متجلی میشود. یونگ روانشناسی شهیر سوئیسی (۱۸۷۵ - ۱۹۶۱ م) آثار ادبی و هنری را محصول ذهن ناخودآگاه انسان میداند که از تجربه ازلی انسان نشأت گرفته است و این تصاویر در

1. Anima

2. Carl Gustav jung

قالب تصاویری اساطیری متجلی میشوند. بر اساس نظریه یونگ در جریان شکل‌گیری فرهنگ مردسالار و پدرسالار در جوامع بشری، کهن‌الگوی مادرانگی یا مادر ازل در سایه قرار گرفت و این علاقه که ریشه آن به ناخودآگاه انسان بازمیگردد، بعدها در قالب نمادها و تصاویری بروز و ظهور یافتند (ر.ک یونگ، ۱۳۹۰: ص ۹۸).

### کهن‌الگوی مادر

در اساطیر کهن و قدیمی «زمین اساسی‌ترین و مهمترین سمبلها در صورت مثالی است و تقدس آن ریشه در اساطیر دارد و نمادی از کهن‌الگوی مادر است. در بسیاری از زبانها، انسان زاده زمین نامیده میشود. عقیده بر این است که نوزادان از ژرفنای زمین، از غارها، مغاک و شکافها می‌آیند» (روزبهنای و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۴۷).

**کهن‌الگوی مادرانگی (نامادری / مخرب):** کهن‌الگوی مادر مثالی در قالب و اشکال گوناگون مثبت، سازنده، مقید یا مخرب و ویرانگر میتواند متجلی شود. و مادر مثالی علاوه بر مادر گاه بصورت مادر بزرگ، نامادری، مادرزن، مادر شوهر و یا هر زنی که بتوان با او ارتباط خویشی برقرار کرد دیده میشود» (یونگ، ۱۳۹۰: ص ۲۵). مادر مثالی در قالب کهن‌الگوی نامادری سیمای مخرب و نابودکننده دارد. «مادر بیانگر دو نیروی متضاد و باروری و تغذیه از یکسو و ویرانگری از سوی دیگر است. او قادر است تولید و نگهداری کند. همچنین میتواند فرزند خود را نابود یا به او بی‌توجهی کند. اگر محتویات مثبت کهن‌الگوها نتوانند بطور ناخودآگاه بروز کنند [و] سرکوب شوند، انرژی آنها به جنبه‌های منفی کهن‌الگو منتقل میشود» (رسمی و رسمی، ۱۴۰۲: ص ۴۶).

**دربارهٔ رمان شوهر آهو خانم:** رمان شوهر آهو خانم یکی از آثار علمی علی محمد افغانی نویسنده معاصر است که نخستین بار در سال ۱۳۴۰ منتشر شد. رمانی نسبتاً قطور (۸۱۱ صفحه) و (۱۸ فصل که برنده جایزه سلطنتی کتاب سال و داستان برگزیده سال از طرف «انجمن کتاب ایران» شد. رمان شوهر آهو خانم حوادث سالهای ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ در کرمانشاه را روایت میکند. در خصوص رمان شوهر آهو خانم سیروس پرهام آورده است: «این رمان آینه تمام‌نمای جامعه و دایره‌المعارف عظیمی بشمار می‌آید؛ زیرا با تصویر کشیدن حوادث واقعی و آفریدن شخصیت‌های حقیقی از وقایع یک دوران مهم اجتماعی پرده‌برداری کرده و در حقیقت هنرش در آن نهفته است» (پرهام، ۱۳۴۰: صص ۹۷۰ - ۹۷۱). درونمایه اصلی داستان واقعیت‌های تلخ و اسفبار زندگی زنان در دوران پهلوی است. هما شخصیت زن داستان برای خرید نان به مغازه «سید میران سرابی» می‌آید و از همین دیدار زندگی سید میران دگرگون میشود. سید میران هما را که از شوهرش سه طلاقه شده است و میخواهد بخاطر شرایط نامناسب پیرامون، رقاص مطرب‌خانه‌های دیگران شود کمک میکند و او را به خانه خود می‌آورد. آهو همسر سید میران ابتدا در حسن نیت شوهرش تردیدی ندارد اما سید میران هما را به عقد خود درمی‌آورد و پس از آن با بیرحمی هر چه تمامتر آهو را کتک میزند و زندگی هوسباری را با هما آغاز میکند و به یکباره آهو را از زندگی خود کنار میگذارد؛ سید میران اندک اندک تمام دارایی خود، حجره و مغازه را میفروشد و برای هما خرج میکند، اما در پایان داستان هما با عاشق سینه چاک سابقش - البرز - فرار میکند و آهو با شهامت و جسارت، سید میران را بر سر عقل می‌آورد او را دوباره به خانه بازمیگرداند. «آهو خانم نمونه واقعی زن ایرانی است. زنی بزرگوار که حق و حقوقی ندارد و همین سبب خواری اوست. تصویر واقع‌گرایانه افغانی، بیمارگونی تصوّر اغلب نویسندگان این دوره نسبت به زن ایرانی را برملا میکند» (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ص ۳۹۴).

**معرفی داستان پرنده من اثر فریبا وفی:** «پرنده من» اولین رمان فریبا وفی است که نخستین بار در سال ۱۳۸۱ چاپ و منتشر شد. داستان رمان حول محور ساکنان یک خانه کوچک در محله‌ای فقیرنشین و شلوغ میچرخد.



راوی داستان که نام او در طول داستان مشخص نیست، زنی خانه‌دار است که به‌مراه همسرش امیر و دو فرزندش بالاخره میتوانند خانه‌ای کوچک در پایین شهر را خریداری کنند. راوی زنی است که دغدغه اصلی‌اش مراقبت و مواظبت از فرزندانش است. پدر او با زنی به جز مادر راوی در رابطه است و همین مسأله مادر راوی را دچار آشوب و ناراحتی روحی میکرده است. خاله محبوب، دیگر شخصیت داستان است که بچه‌دار نمیشود. راوی در کنار خاله محبوب و دو خواهر دیگرش مهین و شهلا همه به نوعی وسواس فکری دچار هستند. ارتباط راوی با همسرش امیر سرد و تیره و تار است و در نهایت امیر، بدون اطلاع راوی خانه‌شان را میفروشد و از زندگی راوی می‌رود. «درونمایه اصلی این داستان اساساً موضوعات زنانه است. وفی در داستانهایش نمودار زن اسیر سنتهای مردسالارانه را نشان میدهد، زنی که بخاطر زن بودن [او بعضاً مادر بودن] مصائب زیادی را باید تحمل کند» (خطیب و یعقوبی، ۱۳۹۹: ص ۱۳).

### تحلیل نمونه‌ها

**کهن الگوی مادرانگی در شخصیت آهو:** در کتاب «بزرگ بانوی هستی» از گلی ترقی آمده است که دور شدن از مادر اسطوره‌ای و نیروهای پنهان ناخودآگاه او، به یکباره انسان را تبدیل به موجودی تک بُعدی و تک ساحتی مینماید (۱۳۸۷: صص ۴۷ - ۴۹). در داستان شوهر آهو خانم، آهو نماد مادری است که سید میران سرابی از او دور میشود. و با دور شدن از او روزگار خوش برای تمامی اعضا خانواده به پایان میرسد. در نظام کهن‌الگویی مادر مثالی از احترام و قداست ویژه برخوردار است و مادر مجموعه‌ای است از تضادها، مادر سرچشمه حیات و نماد زایایی و زاینده‌گی، الهام‌بخشی، شکوفایی و حیات است که البته این تصویر، صورت اساطیری و مقدس مادر است نه آنچه که از مادر در قالب تعابیر لفظی و یا ماهیتی فیزیکی، روزانه و در دسترس با او سر و کار داریم؛ آهو در داستان شوهر آهو خانم همان تصویر ایده کهن از مادر در ذهن انسان است که با مادر واقعی مترادف و همانند شده است. آهو تداعی‌کننده مادر مثالی است که فداکار و خدمتگزار است. «بسیاری از چیزهایی که احساس فداکاری و خدمتگزاری را برمی‌انگیزند، میتوان از مظاهر مادر بشمار آورد، مثل دانشگاه، شهر، کشور، آسمان، زمین، جنگل، دریا و... اشیاء گود چون دیگ، ظروف طبخ و البته زهدان و رحم و هر چه شبیه آن است... سایر مظاهر مادر بمفهوم مجازی آن در چیزهایی متجلی میشوند که مبین غایت آرزوی ما برای نجات و رستگاری است، مانند فردوس - ملکوت خدا و بهشت» (یونگ، ۱۳۶۸: ص ۲۴). آهو نمودی از مادر کهن‌الگویی مثبت است. آهو مادری خوب و زنی آرام است که چهارده سال با مردی بزرگتر از خود، زندگی مشترک را تشکیل داده بود:

«[سید میران] یکه و یالقوز، عمر سی و پنج ساله‌اش را طی کرده بود» (افغانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳).

آهو زنی است که خانه و خانواده را دوست دارد، چهار کودک به دنیا آورده است اما همچنان زنی است با چهره شاداب و با نشاط که گذر زمان او را خوش اخلاق، متواضع، ساده، نرمخو و با گذشت کرده است تا جاییکه نرمخویی و نجابت تمامی وجود او را فراگرفته است. مادری که فرزندان و اهل خانه همگی به او وابسته هستند. از نظر یونگ وابستگی به مادر، وابستگی به کهن‌الگوی مادر است که مادر واقعی شخص یا جانشین او جلوه‌ای از آن کهن‌الگوست (ر.ک سگال، ۱۳۸۹: ص ۱۸۶). این ویژگی و شاخصه در وجود آهوست که سبب میشود وقتی سید میران خبر ازدواج دوباره‌اش را به آهو میدهد، آهو با آنکه میداند چه بر سر او و زندگی و فرزندانش از این به بعد خواهد آمد، اما با برآوردی که از شرایط ایران آن روزگار دارد و میداند که زنی تنها با چهار فرزند قطعاً نمیتواند براحتهای از همسرش جدا شود یا حتی در صورت جدایی نمیتواند از عهده اداره خود و چهار بچه کوچک برآید از این رو تصمیم میگیرد خردمندانه شرایط را مدیریت کند:

«خیلی خب! خدا توفیقت دهد. بالاخره کار خودت را کردی... خشمی که در درون زن زبانه میکشید با خاموشی و سلامت ظاهری‌اش هیچ تناسبی نداشت» (همان: ص ۳۹).  
 گرچه آهو جرأت و جسارت ندارد که با سید میران در بیفتد و او را مؤاخذه کند، اما سکوت آهو، تنها سکوتی منفعلانه نیست بلکه میدانند که عجلتاً هیچ چاره‌ای جز تسلیم ندارد و این از درایت او ناشی میشود:  
 «جز تسلیم به پیشامد، عجلتاً هیچ چاره‌ای نداشت» (همان).

آهو، چهره‌ای اصیل و واقعی از مادر را نشان میدهد، زنی پاکدامن و زحمتکش که خانه دار است و عمری را در خانه همسر و برای فرزندان زحمت کشیده و از هیچ تلاشی فروگذار نبوده است. شخصیت آهو خانم، از آن جهت مورد تحسین است که در سیر روایی داستان، بالاخره موفق میشود میران را از توهم هوس نجات دهد و سلامت بکانون خانواده بازگرداند و در هر شرایطی تربیت فرزندان و توجه به آنان را اولویت خود قرار داده است:  
 «زن خانه‌داری بود که وظایف خود را با عشق و علاقه انجام میداد» (همان: ص ۲۰۳).

آهو در ابتدای داستان نقشی آرام، انفعالی و ایستا دارد:  
 «آهو خواه ناخواه می‌بایست به زندگی هووداری که شوهرش به او تحمیل کرده بود تن در دهد، بسوزد و هر طور هست با وضع جدید بسازد. اگر سید میران مردی بود که شاهین عدل و انصاف را میان دو همسر راست نگه میداشت و اگر هما به حق خود قانع بود، او چندان غمی نداشت؛ اما نه شوهر چنان مردی بود و نه هوویش چنین زنی» (همان: ص ۳۳۶).

کهن‌الگوی مادر از نظر یونگ زنی باتجربه است که همین تجربه او را به الهه‌ای پر جرأت و خردمند تبدیل میکند (ر.ک یونگ، ۱۳۶۸: ص ۳۶). آهو خانم وقتی فهمید که سید میران زنی را که مانند خواهر به او کمک میکرد صیغه کرده است در چنین نقشی از کهن‌الگوی مادر مثالی ظاهر میشود:

«لب خود را گاز گرفت. بدنش از شدت خشم و احساس میلرزید، خشمی که در درون زن زبانه میکشید با خاموشی و سلامت ظاهری‌اش هیچ تناسبی نداشت. با این وصف بسادگی خواننده میشد که چه لحظه بحرانی را از سر میگذراند. از شدت نفرت و بغضی که سر به جانش کرده بود و برای آنکه با درد خود تنها بماند به اتناش رفت و آنجا در گوشه نزدیک در نشسته به دیوار تکیه داد، شقیقه‌اش را در دست گرفت و به فکر فرو رفت» (افغانی، ۱۳۹۷: صص ۲۵۹ - ۲۶۰).

**آهو نمودی از کهن‌الگوی مادر - زمین:** آهو نمودار زنی است که از همان ابتدا در اقتصاد خانواده نقش اساسی دارد و پس از ازدواج این مسأله تداوم می‌یابد این مسأله یادآور کهن‌الگوی مادر - زمین است. کهن‌الگوی مادر - زمین: «در اساطیر، کوه، جنگل، دریا، یا آب میتواند با باروری، زراعت، کشاورزی و سپندارمذ - الهه مادر - ایزد بانوی زمین در ارتباط باشد. انسان باستانی بین خود و خدایانش که غالباً پدیده‌های طبیعی بودند، ارتباط قیاسی برقرار میکرد و ویژگیهای خود را به آنها نسبت میداد. زمین بدلیل برخورداری از ویژگیهای همسان با رفتار زنانه، اولین مادینه است. زن گردونه زندگی است، به دنیا آورنده است و تغذیه‌کننده است از نظر قدرت با الهه زمین همذات است» (کمبل، ۱۳۷۷: ص ۱۳۳). از نظر الیاده، از آنجا که سرشت و ماهیت زمین بار گرفتن، زایایی و اعطای زندگی به موجودات سترون و بی‌جان است، میتوان نقش مادر در اقتصاد خانواده و باروری و فرزندزایی او را با کهن‌الگوی مادر - زمین مقایسه کرد (۱۳۷۶: ص ۲۴۹). در حقیقت بر اساس اساطیر، زمین نماد مادری است که از آن ارتزاق میشود و سپندارمذ در قالب الهه آن نمودار شده است (کمبل، ۱۳۷۷: ص ۲۵۱). زایش، تکوین، باروری و حاصلخیزی، شاخصه و ویژگی اصلی کهن‌الگوی مادر - زمین است و آهو نمادی از این کهن‌الگو؛ زمانی

که سید میران تصمیم میگیرد نانوائی را در شهر راه بیندازد، آهو آستینها را بالا میزند و تجربه کودکی در خانه خاله‌اش را بخدتمت میگیرد و شروع میکند بکمک سید میران، حتی برای آنکه خرج و مخارج خرید وسایل نانوائی کم شود، مقداری وسیله و اسباب موردنیاز را از خاله‌اش قرض میگیرد:

«شوهر خاله [آهو] در خانه‌اش نان میپخت و به دورها میبرد و میفروخت و از اینجا، مونس دائمی دختر جوان، دود کورکننده هیزم و گرمای خفه‌کننده تنور با اجاق بود. کسانی که میگویند زندگی و تربیت دوران کودکی تعیین‌کننده اصلی شخصیت و خصوصیت‌های فرد است، قطعاً این نمونه‌ها را پیش چشم داشته‌اند. مسلم است که مرد نوداماد [میران] در آن شرایطی نبود که بتواند برود در آسیاب یا باغ کار کند. آهو از خاله‌اش تشتی برای خمیر کردن و ساجی برای پختن به امانت گرفت و به هر جان‌کنندی بود سر نیش چار سوق دکانکی علم کرد، اگر تجربه گذشته آهو بحساب نمی‌آمد در حقیقت آنها از هیچ شروع کرده بودند، هنوز که هنوز بود آهو سر بند و نیم‌تنه کردی آن زمان خود را که رخت عروسی و در عین حال لباس کارش بود، محض یادگار در صندوق نگه داشته بود، آخر چگونه کسی میتواند چنین زن پرمایه و فداکاری را فراموش کند. روزها هنگامی که [میران] پی هیزم یا آرد ارزان به سراب و سرراهها به بزرگیری میرفت، این زن مثل یک مرد در دکان میماند، با گوشه‌ای از سربند کردیش جلوی دهان و بینی را میپوشاند، آستینها را بالا میزد، نام خدا را بر زبان می‌آورد و مشغول بکار میشد» (افغانی، ۱۳۹۷: صص ۴۸ - ۴۹).

آهو نمادی است از سنت و مادر ازلی که سعی در حفظ آرامش و قداست خانواده و بازگرداندن جریان زندگی و زایایی آن به خانه است. آهو سعی دارد سید میران را که بدنبال هوس خویش گرفتار شده است، نجات بدهد و به آغوش خانواده بازگرداند. آهو نماد مادری است که برای حفظ خانواده تمام قدرت خویش را بکار میگیرد. «[آهو] در برخی از جاها بجای جدل ابتدایی که بعنوان راه چاره انتخاب کرده بود، سکوت میکند؛ همین سکوت او نیز برای خواننده گزنده است پس از ورد هما به خانه‌اش او با دخترش و سه پسر خود زندگی میکند و با وجود درگیریهای لفظی که با هما دارد، سعی در حفظ همسر و فرزندانش دارد. خفت و خواری او توسط سید میران در چندین بخش داستان بسیار رقت‌برانگیز است آهو برای حفظ خانواده و فرزندانش و بازگشت همسر به سوی خود مجبور میشود سکوت پیش بگیرد و با سکوت خود تن به تقدیر بدهد و گاهی نتواند این سکوت را تحمل کند و ستیزه جو گردد. در پایان آهوایی که در برابر حادثه‌ای که خانه او را درنوردیده بود، بغض کرد، قهر کرد، ضجه زد، ناز کرد، مبهوت و منفعل شد، به جادو و جنبل و مشورت‌های زنانه متوسل شد بتدریج تبدیل به آهوایی میشد که محک‌تر حرف میزند و حرفهای محکم‌تر میزند. جسورتر شده است و در اوج این جسارت و به خود آمدن، در پایان داستان، یک تنه، استوار، بیمشورت و با اطمینان به تحقق عمل خود، میران را به کاشانه مأنوس بازمیگرداند» (مظفری و که که‌رش، ۱۳۹۲: ص ۱۳۱).

**آهو؛ نمادی از کهن‌الگوی مادر با جلوه‌ای زمینی:** عشق مادر نسبت به فرزندان مسأله‌ای غیر قابل انکار است. میلی فطری و غریزی که به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد. عشق مادر به فرزند را میتوان یکی از جمله دلایل بسیار محکم برای صبر و تحمل زن در برابر سختیها و مشکلات زندگی بحساب آورد. از نظر یونگ «زن میتواند مستقیماً با مادر زمینی همانند شود» (یونگ، ۱۳۶۸: ص ۵۴). این نمود از مادر، نمود سودمند کهن‌الگویی است. آهو برای گذراندن زندگی بصورت بهتر و ایجاد شرایط مناسب و ایده‌آل برای فرزندانش، تصمیم میگیرد کار کند بعد از اینکه آهو دخترش «کلارا» را باردار شد، بروستا نزد خاله‌اش رفت، اما پس از آن باز به شهر بازگشت و زندگی با فرزندش و میران را در دست گرفت. حضور مداوم آهو در کنار فرزندان و میران، نوعی کهن‌الگوی بیداری

اوست تا جایی که برای حفظ بنیاد خانواده و بخاطر آنکه فرزندانش طعم نبود پدر را نچشند، حاضر میشود در جریان قاچاق پارچه توسط میران، به او پول بدهد و بدهی‌اش را پرداخت کند:

«چون حس کرده بود شوهرش در آن موقع حساس، در تنگنای بی‌پولی است [برای حفظ بنیان خانواده] یکبار آورده بود سی تومان و بار دیگر هجده تومان به او داده بود» (افغانی، ۱۳۹۷: ۵۹).

آهو در تمام داستان، حامی فرزندان است. آهو عاشق و شیفته خانواده، همسر و فرزندان است و خواهان ایجاد آرامش در خانه. آهو پس از ورود هما به خانه‌اش با دخترش کلارا - و سه پسر خود - همچنان در خانه میماند و با وجود درگیریها و مشاجره‌های لفظی که با هما دارد، سعی در حفظ فرزندان و همسرش دارد. تمام واکنشهای آهو در طول داستان در راستای حفظ نقش مادرانگی و زنانگی اوست:

«آهویی که در برابر حادثه‌ای که خانه او را درنوردیده بود؛ بغض کرد، قهر کرد، ضجه کرد، ناز کرد، مبهوت و منفعل شد به جادو و جنبل و مشورت‌های زنانه متوسل شد، بتدریج تبدیل به آهویی میشد که محکمتر حرف میزند و حرفهای محکمتر نیز میزند، جسورتر شده است و در اوج این جسارت و به خود آمدن، در پایان داستان، یک تنه، استوار، بیمشورت و با اطمینان به تحقق عمل خود، میران را به کاشانه مأنوس بازمیگرداند» (همان: ص ۴۰۴).

آهو، فرزندان را ریشه‌های خود میدانند که از وجود او درختی تنوار ساخته است و کسی توانایی برانداختن آن را ندارد. آهو خانم در تمام مدتی که سید میران آشیانه او و کودکش را با آوردن هما، نابود کرده است با سکوت و حسرت نه تنها نظاره‌گر است بلکه سعی میکند با سکوت خود، اوضاع و شرایط را بدتر نکند و کودکش کمترین آسیب را ببینند، در همان ایام هم دلهره ناشی از کیفیت تربیت کودکان، لحظه‌ای او را رها نمیسازد تا جاییکه از آغاز تا پایان داستان، مادری کردن همواره برای آهو در اولویت است:

«دل آهو غنچ میزد با شادی و شور پنهانی در حیاط یا روی پله ایوان انتظار میکشید. بچه‌های او که شادی و گرمای زندگی در زیر پوستشان میجوشید، قاطی با همسالان خود، آفتاب مهتاب بازی میکردند. در حیاط بزرگ از این طرف و آن طرف میدویدند، یکدیگر را دنبال میکردند و به مادر که تنها بود یا با زنی از همسایه‌ها صحبت میکرد پناه میدادند پشت او قایم میشدند و پر چادرش را میکشیدند تا از هم فرار کرده باشند، جیغ میکشیدند، جست میزد، می‌آمدند و مثل نسیم بهاری همه جا را از شادی و نشاط بی‌غش لبریز میکردند» (افغانی، ۱۳۹۷: ص ۵۱).

**کهن‌الگوی مادر مخرب در شخصیت هما:** هما کولی‌زاده‌ای عیاش و زیباست که زن و مردی او را در کودکی، از روستایی میان کولیه‌ها خریده و در چهارده‌سالگی به خانه شوهر میفرستند، هما پس از ازدواج از روستا به کرمانشاه می‌آید و همسر و دو فرزند خود را ترک میکند و در خانه مطربی بنام «حسین خان» ساکن میشود. سید میران مرد متأهل میانسالی است که مجذوب هما میشود و او را بعقد خود در می‌آورد و هما بعنوان هوو، آشیانه آهو را از هم متلاشی میکند.

در داستان شوهر آهو خانم، هما زنی جوان، هوسباز و خوش‌گذران است که دوست دارد آزاد و رها باشد و از این آزادی در راستای تنوع‌طلبی خود تا حد امکان بهره‌بردار. زنی مطلقه و بی‌سرو سامان که با هدف از بین بردن زندگی مشترک سید میران با عشوه‌گری و طنز و طعنه وارد زندگی او میشود و برای رسیدن به امیال سودجویانه خویش سید میران و زندگی او را به ورطه نابودی میکشد و تمام داراییهای او را تصرف میکند. زنی بلهوس که کشف حجاب را پذیرفته، سلامت اخلاقی ندارد و دوست دارد زنی بظاهر متجدد باشد.

هما نمادی از شرارت و نامهربانی است. در کهن‌الگوی یونگ جادوگر، اژدها، حیوانات خطرناک مانند افعی و... مظهری از کهن‌الگوی مادر نامهربان، حيله‌گر و مکار هستند (ر.ک جانسون، ۱۳۹۰: ص ۵۴). بنظر میرسد از دیدگاه یونگ، کهن‌الگوها دو جنبه کاملاً مخالف یکدیگر دارند یا حداقل در کهن‌الگوی مادرانگی این مسأله کاملاً مشخص است و این کهن‌الگو در عین آنکه میتواند مثبت و سازنده باشد، میتواند حالت منفی، تیره و فقه‌رایی نیز داشته باشد. یونگ میگوید: «در درون هر کهن‌الگوی مادر، کهن‌الگویی تیره و تار نیز وجود دارد» (همان: ص ۶۴). این کهن‌الگوی مادرانه / زنانه در مصداق بصورت نیروهای شرّ و زنان حيله‌گر و فریبکار ظاهر میگردد. هما در داستان شوهر آهو خانم زنی است که برای جلب توجه سید میران از کودکان دوقلوی خود مایه میگذارد؛ در برخورد اولی که بصورت جدی میان او و سید میران پیش می‌آید، هما برای رسیدن به مقاصد خود، تظاهر به بیچارگی و ناتوانی میکند. تا جاییکه میگوید به تنهایی از عهده بزرگ کردن دو فرزند دوقلوی چهار ساله خود برنمی‌آید فردی که با چرب‌زبانی و دروغ‌گویی عواطف مادرانه خود را جهت جلب توجه سید میران به میان میکشاند:

«این زن با آن سیرت و صورت چنین و چنانی، ماری بود که در خواب به پایش پیچیده بود» (افغانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۷). هما در نخستین گام برای جلب ترحم سید میران از نقش مادرانه خود با فریب و خدعه بهره میگیرد:

«من همین قدر تا پایان عمر از شما سپاسگذارم اگر عوض آنکه بخواهی کار محالی را ممکن سازی، کوشش و تدبیر خردمندانه خود را در این زمینه بکاراندازی که دوقلوهای عزیز من را به من بازگردانی... این اولین تقاضای زن بیچاره و بی‌پناهی است از مرد نیکوکار و با خدایی که به کمکش آمده است» (همان: ص ۷۷).

هما در مقام زنی خودخواه، متبکر، زیاده‌خواه و تنوع‌طلب تنها بدنبال آزاد زیستن و خوشگذرانی است. برای وی نقش مادری کمترین اهمیت و جایگاهی ندارد و اصولاً بدنبال خانه براندازی و هوس است. زنی که بدنبال رسیدن به آرزوهای خود از هیچ حيله، خدعه و ترفندی برای برقراری رابطه با سید میران کوتاهی ندارد؛ گرچه او صاحب دو فرزند دوقلوی چهار ساله است و پس از جدایی از شوهر سابق خود، حسرت دیدار آنها را دارد اما در راستای رسیدن به مقاصد خود از فرزندانش نیز دست میکشد و سید میران را وادار به ازدواج میکند و پس از آن از کرمانشاه کوچ میکنند تا دیگر نه فرزندان او و نه آهو و فرزندان سید میران، مانعی برای زندگی و اهداف او نباشند. هما نماد کهن‌الگویی مادری منفی است که مهر خویش را عامدانه از فرزندانش دریغ کرده است. غیبت او در مقام مادر در زندگی بچه‌هایش، ازدواج با سید میران بی‌توجه به آنکه او همسر و چهار فرزند دارد، مجبور کردن سید میران برای کوچ به تهران و جدا کردن او از زن و فرزندانش همه و همه از خدعه‌ها و نیرنگ‌های این شخصیت بشمار می‌آید. در واقع او را میتوان کهن‌الگویی از مادر لاقیدی بحساب آورد که در برابر فرزندانش خردسالش ابداً احساس مسئولیتی نمیکند. او اهمیتی به سلامتی، خوشی یا خوشبختی کودکان خود نمیدهد و در کمال بی‌مهری این کودکان را از دیدار گاه و بیگاه خود پس از طلاق از همسر اولش نیز محروم میکند. «بنا بدلائل روانشناختی آنجا که زبان از صراحت میگریزد، نمادها از بستر اسطوره‌ها و باورهای ناخودآگاه قومی و جمعی سر برمی‌آورند. نماد معمولاً دو / چند ساحتی است و همین سیالیت معنای نمادین آن باعث شده است تفسیرهای پیرامون آن اغلب پارادوکسیکال در نظر گرفته شود؛ در زندگی در دل مرگ یا برعکس، شرارت در لباس دلسوزی و امثال اینها ممکن است در تحلیل نماد آشکار شود. [ در تحلیل کهن‌الگویی ] مادر اولین شکلی است که آنیمای هر فرد یا ناخودآگاهش بشکل آن ظاهر میشود. مادرها - زنهایی که ظاهراً دلسوز و مسئول فرزندشان هستند، ولی در نهایت بزرگترین عمال تباهی زندگی فرزندشان شده‌اند» (دستمالچی، ۱۴۰۲: ص ۱۴۹). از نظر کهن‌الگویی چنانکه گفته شد مادر دارای دو نیروی متضاد سازندگی، باروری یا ویرانگری است. «اگر محتویات مثبت کهن‌الگوها نتوانند بطور خودآگاه بروز

کنند، بلکه سرکوب شوند، انرژی آنها به جنبه‌های منفی کهن‌الگو منتقل میشود» (اوداینیک، ۱۳۷۹: ص ۱۴۳). یونگ مادر را دارای دو جنبه، دو چهره یا دو شخصیت میداند یکی با محبت و دیگری بی‌عاطفه و بی‌رحم. هما پس از ازدواج با سید میران متوجه میشود که دیگر نمیتواند بچه‌دار شود از این رو سعی میکند با سرکوب عواطف مادری‌اش نسبت به دو فرزند خردسال خود، غرق در تجملات و زندگی راحت و آسوده‌ای شود که با پول سید میران بدست آورده است. اینگونه خود را دلداری میداد که: «بچه می‌خواهم چکار کنم، من خودم هنوز بچه هستم» (افغانی، ۱۳۹۷: ص ۳۵۳).

### کهن‌الگوی مادرانگی در رمان پرنده من

**کهن‌الگوی مادرانگی راوی:** نخستین زن و قهرمان اصلی داستان در این رمان، راوی است. زنی خانه‌دار که قصه با محوریت مشکلات و مصائب او روایت میشود. راوی در داستان پرنده من، زنی است با تمام عواطف و احساسات مادرانه. از نظر یونگ «مادر در وجه مثبت آن یعنی رشد مفرط غریزه مادری با تصویر آشنای مادر که در همه ادوار و زمانها ستایش شده است. عشق بمعنای بازگشت به خانه‌اش و سکوت طولانی که همه چیز از آن شروع میشود و در آن پایان بپذیرد» (یونگ، ۱۳۶۸: ص ۳۹). راوی در حقیقت نخستین صورت مثالی مادر این روایت است. راوی زنی است متأهل و جوان که مادر دو فرزند بنامهای شادی و شاهین است. راوی در زندگی خانوادگی خود دو خواهر دارد. پدرش آقاچان که همواره مادر را سرکوب میکند، مرده است و خواهران او شهلا و مهین رفتاری کاملاً متفاوت از وی دارند. در مثالی در تصویری که نویسنده از شخصیت راوی داستان پرنده من ترسیم نموده، همان چهره‌ای است که در درازنای زندگی و حیات آدمی همواره از مادر مورد تقدس و احترام بوده است. زنی که مظهر بردباری، سختکوشی، صبر و استقامت است از این رو برای حمایت از دو فرزند خود و آسایش و آرامش آنان رنج و مشقت را تحمل میکند و حاضر است هر گونه سختی را به جان بخرد تا خانه‌ای هر چند کوچک برای آنان تهیه کند و از دست تذکرات صاحبخانه و محدود کردن بچه‌ها راحت شود.

«حالا آزادیم اثاثمان را بدون ترس از در و دیوار خوردن جا به جا کنیم. بچه‌ها آزادند با صدای بلند حرف بزنند. بازی کنند. جیغ بزنند و حتی بدونند. من میتوانم عادت هیس هیس کردن را مثل یک عادت فقیرانه برای همیشه کنار بگذارم» (وفی، ۱۴۰۲: ص ۲). نویسنده در نمونه، تصویری روشن از مادر ارائه میکند که او را همدم شخصیتها و مشکلات فرزندان و خانواده نشان میدهد. راوی در داستان پرنده من کهن‌الگویی است از زایش و پرورش. او بعنوان نمودی از بانوی مهر و باروری به مشکلات جسمی، روحی و روانی همگان از جمله فرزندانش بخوبی توجه دارد. غریزه مادری راوی در داستان بسیار بالاست او بدنبال بالندگی کودکان خویش است گرچه در این میان با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم میکند. تمام دغدغه راوی آن است که وظایف مادری‌اش را بخوبی در مقابل دو فرزندش شاهین و شادی به انجام برساند از این رو هر اندازه که راوی از مادر خود بیتوجهی دیده است، برعکس سعی دارد به فرزندانش توجه نشان دهد:

«باید به شادی یاد بدهم که مواظب باشد، ممکن است کسی به او مهربانی کند. توی دنیا صد جور مهربانی هست که او باید فرق بین آنها را بداند. می‌خواهم بگویم حواسش به پسرهای بزرگی که داریم به ساختمان می‌آیند و می‌روند، باشد. نمیدانم چه جور با ظرافت به او بفهمانم که ممکن است کسی بیاید و بخواهد بدن او را لمس کند و او باید داد بزند، شاهین پرسید: چرا مامان؟ برای اینکه مهم است» (همان: ص ۱۱). تصویر مادر در روایت داستانی پرنده من، تصویری آمیخته با اندوه و سرگشتگی است. ارتباط عاطفی بد راوی با همسرش امیر، شکنجه‌های روحی پدر

در دوران کودکی، بی‌توجهی مادر به او که دوست داشته جای او فرزند پسری به دنیا می‌آورد بر جان و روح راوی سایه افکنده است و به او اجازه نمیدهد تا مادر شاد و خندانی باشد و گاه شیطنتها و بازیهای کودکانه فرزندانش او را عصبی و ناراحت میکنند:

«بدنبال شادی هستم، توی پارکینگ نیست. به راهروی تنگ انباریها میروم، در انباری آخر تکیه داده و توی تاریکی بزحمت دیده میشود. اینجا چه غلطی میکنی؟ بلند گفته‌ام. انگشتش را روی لبهایش میگذارد. هیس؛ الان آیدا پیدایم میکند. داد میزنم که برود گم بشود. یالله بیرون» (همان: ص ۲۱).

راوی بخاطر فراز و فرودهای بسیاری که در کودکی درباره روابط پر تنش مادر و آقاجان (پدرش) دیده، چندان نمیتواند عواطف خود را بروز دهد؛ او بیشتر در نقش همسر و مادری ساکت و اندوهگین است که سعی دارد بیشتر در انزوای روحی باشد؛ تا جاییکه حتی به تمام محیط اطراف بیتوجه میشود:

«امشب برای مامانم نعنای دم نکردم یا حتی وقتی گفت خدایا فشارم بالا رفته؛ نگفتم که میتوانی یک قرص بخوری... مشغول بودم. در یخچال تمیز بود ولی من دوباره روی آن دستمال کشیدم و بصرافت پاک کردن لکه‌های قدیمی اجاق گاز افتادم... سکوت مثل لباس پشمی تنگی در هوای گرم اذیتم میکرد. مامان زاری میکرد و من هنوز نتوانسته بودم نقشی را که خودم بعهد خودم گذاشته بودم ایفا کنم» (همان: ص ۱۳).

راوی در این رمان چهره‌ای اسطوره‌ای، یاریگر یا منجی از کهن‌الگوی مادر ازلی یا مادر مثالی را بتصویر نمیکشد اما به هر حال احساسات مادرانه راوی در اوج است؛ این سرمایه عاطفی در رابطه با فرزندان بخوبی در طول داستان قابل مشاهده است:

«برای شاهین و شادی، کتلت و ماکارونی درست میکنم همه باید از سر سفره سیر و راضی بلند شوند، مگر تمام تلاش آدمها بخاطر چیزی نیست که ما داریم: غذای کافی و با هم بودن» (همان: ص ۱۰۱).

وی برای فرزندانش بشدت احساس مادرانه دارد، احساس مسئولیتی که او را نمادی تبدیل به یک مادر دلسوز و مسئولیت‌پذیر کرده است:

«از در بیرون میروم. توی حیاط هستم که شادی به شیشه پنجره میزند؛ از حرکت لبهایش میفهمم که چند بار میگوید پفک» (همان: ص ۱۴۰).

**کهن‌الگوی مادر راوی:** کهن‌الگوی مادر راوی زنی است که هیچگاه راوی را دوست نداشته و در انتظار فرزند پسر، وقتی دختری دنیا می‌آورد سرخورده‌تر از قبل میشود. راوی با مادرش رابطه دوستانه و عاطفی ندارد و این حسرت در کلام و رفتار او نمودار است:

«همانجا در چارچوب در باقی ماندم. شاید همه چیز شکل مرسومش را پیدا کند. خداحافظی معمول یک مادر و دختر از هم، به این عادت قدیمی دنیا مثل مرهمی که درد را کم میکند، احتیاج داشتم ولی مامان توی راه‌پله ناپدید شد و پشت سرش را هم نگاه نکرد» (وفی، ۱۴۰۲: ص ۱۳).

مادر راوی نمادی از مادرانی است که از همان آغاز کودکی به فرزندانش بی‌توجه است. از خلال صحبتها و تک‌گوییهای راوی مشخص میشود که مادر، هنگام تولد منتظر فرزند پسری بوده است و بنابراین مادر با تولد او شوکه میشود و هیچ مهر و عاطفه‌ای به او ندارد. مادر بارها راوی را در کودکی تنبیه کرده و در نتیجه از همان کودکی راوی به گریه‌های بی‌صدا و سکوت پناه برده است:

«من می‌ترسیدم از تاریکی، از زیر زمین، از سایه‌ها، صد جور بازی در می‌آوردم که دیده نشوم. یواش یواش از چشم خودم هم پنهان شدم و یک روز مجبور شدم از خودم بپرسم کی هستم. با این گمگشتگی، بزرگ شدم، گمگشتگی عمیقی که پیداشدنی در کار نبود» (وفی، ۱۴۰۲: ص ۴۶).

مادر در زندگی خود با فقدان عشق مواجه است، او از سوی همسر طرد شده و آقاجان (پدر راوی) بارها به مادر خیانت کرده و همین مسأله فضای سرد و سنگینی را برای اعضای خانواده بوجود آورده است. مادر در این فضای تیره و تار و سرکوب‌شده، توان برقراری رابطه عاطفی درست با فرزندانش را ندارد و رابطه مادر - فرزند در سایه خشم و خشونت پدر، کمرنگ و کمرنگ‌تر میشود. از این روست که راوی همیشه آرزو دارد ای کاش مادر با او صمیمی بود:

«شادی را روبه رویم مینشانم و سخنرانی کوچکی برایش میکنم، همان کاری که باید مامان با من میکرد و هیچوقت نکرد، اگر حرفی با او داشتم هفت هشت بار در طول اتاق رژه میرفتم، جانم بالا می‌آمد» (همان: ص ۲۳).

راوی در خانواده‌ای رشد میکند که از ظرافت عاطفی مادرانه در آن خبری نیست. مادر توجه محبت‌آمیزی به فرزندان ندارد؛ راوی در توصیف روحیات مادر خود با گریز به دوران کودکی‌اش می‌گوید:

«[مادر] هیچوقت بچیزی نجسبید؛ نه به آقاجان [پدر] نه به خانه، نه به بچه‌ها، وقتی کنارش مینشستیم، کلافه میشد؛ [او میگفت:] روی من لنگر نینداز، بکش کنار» (همان: ص ۹۵).

سایه این مسأله همواره در زندگی راوی دیده میشود. مادر همواره گله‌مند است و تصویری که از او در داستان هویدا شده است زنی زار و نالان است که در اکثر اوقات از همه چیز ناراضی است:

«مادر تنها وقتی که به دیدن خاله محبوب میرود، پیش اوست که قدری ناله و زاری را کم میکند (ر.ک همان: ص ۳۴).

اینچنین موقعیتی تحمل دوران کودکی را برای راوی سخت میکند؛ مادری که چون متوجه میشود فرزند تازه به دنیا آمده‌اش دختر است، او را از خود میراند:

«مادرم بعشق پسر مرا به دنیا آورده بود و دختر از آب درآمد بودم. برای آقاجان [پدر] یک پادوی خانگی بودم. مرا فقط وقت باد زدن منقل، آوردن زغال و گرفتن ناخن‌ها و درآوردن جورابها میدید» (همان: ص ۷۹ - ۸۰).

**خاله راوی، کهن‌الگوی جایگزین مادر:** چنانکه گفته شد کهن‌الگوی مادر در قالب مادر واقعی، دایه، نامادری، پرستار و... میتواند نمود یابد و هر آنچه که احساسی از حرمت، باروری، فراوانی و حمایت باشد؛ نمودی از کهن‌الگوی مادر است. مادر نمودی از کمال مطلوب، باروری و زایش. صفات مثبت منسوب به مادر مثالی برای راوی گاه در وجود خاله‌اش هویدا میشود. خاله محبوب در داستان پرنده من، بچه ندارد و از آنجا که وجود بچه را در زندگی خودش حس میکند، تصمیم میگیرد گاه و بیگاه راوی را که آن زمان دختر بچه‌ای کوچک بوده نزد خود ببرد و بقول نویسنده، قرض بگیرد:

«خاله محبوب بچه نداشت. بعضی وقتها در زندگی‌اش یک بچه لازم داشت. برای همین یکی از ماها را قرض میگرفت. شهلا برای بچه بودن خیلی بزرگ بود. شاید هم قبلاً بچگی‌اش را پیش خاله محبوب کرده بود. مهین زیادی لوس و سرکش بود. من مناسبتر از بقیه بودم. خاله محبوب قبل از هر کاری مرا حمام میبرد. رخت و لباسم را عوض میکرد و میگفت مادرت شلخته است. در عرض چند ساعت آنقدر عوض میشدم که نمیدانستم با هویت جدیدم چه کنم. خاله هم همین را میخواست. میخواست از رفتارهای قبلی پاک بشوم تا بتواند جوری که دوست دارد تربیت کند. یادم میداد چه جوری غذا بخورم. چه جوری بعد از خوردن، با صدایی که شنیده شود تشکر بکنم.



دوره کارآموزی که تمام میشد، خاله محبوب اجازه میداد هر وقت میلیم کشید از شکلاتهای روی میز پذیرایی چند تایی بردارم» (وفی، ۱۴۰۲: ص ۱۶).

خاله محبوب بعنوان یکی از نمودهای کهن‌الگوی مادر مثالی در روحیه وی تأثیر بسیار زیادی گذاشت. خاله محبوب در غیاب مادر راوی تنها سرچشمه مهر و محبت برای اوست، گرچه او هم بطور کامل نمیتواند نقش مادری را برای راوی بازی کند:

«اولین بار که با خاله به سینما رفتم دو فیلم را همزمان تماشا کردم؛ یکی را با تمام صورتم و دیگری را با نصف آن. از هیچکدامش چیز زیادی نفهمیدم. وقتی برای مامان و شهلا تعریف کردم، شهلا فیلمی را که با تمام صورت دیده بودم فهمید و مامان فیلمی را که با نصف آن دیده بودم. عصر آن روز خاله محبوب برای اولین بار مرا پس داد» (همان: ص ۱۷).

### نتیجه‌گیری و پایان بحث

مادر مثالی کهن‌الگویی است که ماهیت و سرشت کهن‌الگویی دارد و از این رو هر دو سویه مثبت و منفی را در خود متجلی ساخته است. این کهن‌الگو که در نظریات یونگ روانشناس شهیر سوئیسی نخستین بار بصورت نظریه‌ای قابل توجه مطرح گردید در جنبه و سویه مثبت نمودار تمامی عواطف و نیز گرایشهای مادرانه سازنده مانند حمایت، مهر، محبت، پرورش‌دهندگی، قدرت باروری و حاصلخیزی و برکت است. بی‌تردید این کهن‌الگو در رمان شوهر آهو خانم در شخصیت آهو تا حدود بسیار زیادی منعکس شده است. آهو مادری صبور، مهربان، پابند خانواده و مسئولیت‌پذیر است که با وجود آنکه همسرش او و چهار فرزندشان را برای عشق هوس‌آلود به هما ترک کرد اما توانست یک تنه زندگی خود و کودکانش را اداره کند نیز در بخشهایی از داستان به نقش اصلی او در چرخه اقتصاد و خانواده و کار در ناوایی همسرش - سید میران اشاره شده است. راوی در داستان پرنده من از فریبا وفی نیز تا حدودی در وجه کهن‌الگوی مثبت نمود یافته است؛ گرچه در برابر آهو و نقش مادرائگی او نمیتوان راوی در داستان پرنده من را چندان در نقش مادرانه قوی و برجسته‌ای مشاهده کرد. خاله محبوب در داستان پرنده من نیز در قالبی از کهن‌الگوی مادر گاه به تصویر کشیده شده است. در رمان شوهر آهو خانم، شخصیت هما تصویری کاملاً منطبق با کهن‌الگوی مادر مخرب و نمودی منفی از مادر است. او که کودکان خود را رها میکند در پی ازدواج با سید میران، خود را بصورت خودخواسته‌ای از دیدار دو فرزند دوقلویش محروم میکند. در داستان پرنده من از فریبا وفی نیز مادر راوی زنی بی‌مهر، سختگیر و همواره نالان است که هیچگونه ارتباط عاطفی سالم و سازنده‌ای با راوی ندارد.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش هر دو پژوهشگر میباشد.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیخته نثریة سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCES

- Afghani. Ali Mohammad (2018). *the Madam Ahou s Husband*. Twenty-ninth edition. Tehran: Negah.
- Emami. Nasrallah (2006). *Fundamentals and Methods of Literary Criticism*. Tehran: Jami, p. 202.
- Odainik. V (2000). *Jung and Politics: The Political and Social Thoughts of Carl Gustav Jung*. Translated by: Tayyeb. Tehran: Ney, p. 143.
- Eliadeh. Mirchah (1997). *A Treatise on the History of Religions*. Translated by: Jalal Sattari. Tehran: Soroush, p. 249.
- \_\_\_\_\_ (2014). *The Perspective of Myth*. Translated by: Jalal Sattari. Third edition. Tehran: Toos, p. 96.
- Parham. Sirius (1961). *Contemporary Iranian Literature. The Husband of Ahu Khanum*. Book Guide. Issue 10. pp. 970-971.
- Taraghi. Goli (2008). *The Great Lady of Hastes*. Second edition. Tehran: Niloufar, pp. 47-49.
- Johnson. Robert (2011). *The Mother Complex and the Relationships between Men and Women*. Translated by Touraj Reza Bani Sadr. Tehran: Liosa, pp. 64-54.
- Khatib. Rafat and Yaghoubi. Ali Sarwar (2010). *A Study and Comparison of the Position of Women in the Narratives of Mahmoud Dolatabadi, Ahmad Mahmoud, FaribaVafi and SepidehShamloo*. Monthly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (BaharAdab). Year 13. Issue 9. Consecutive 55. pp. 1-23.
- Dasmalchi. Vida (2013). *A Psychological Analysis of the Archetype of the Evil Mother in the Stories of SadeghHedayat*. Bi-Quarterly Journal of Persian Language and Literature, Kharazmi University. Year 31. Issue 94. pp. 135-162.
- Rasmi. Ateke and Rasmi. Sakineh (2023). *A comparative study of the archetype of the exemplary mother in the little stories of Fatima and Ye Yashin, the Cinderellas of Iran and China, based on Jung's analytical psychology*. Quarterly Journal of Comparative Literature Research. Volume 11. Issue 3. pp. 31-59.
- Roozbahani. Tahereh and others (2020). *Analysis of the archetype of the mother (Motherland) in the novel The Vacancy of Saluch*. Quarterly Journal of Echoes of Women in History. Year 1. Series 1. pp. 41-50.
- Sattari. Jalal (1987). *Symbol and Example in Psychoanalysis*. Tehran: Toos, p. 64.

- Saghayan. Mehdi and SahafMoghadam. Minoo (2021). An examination of the manifestations of the mother archetype in the play *The Horses of the Sky Are Raining Ashes*, based on Jung's views. *Women in Culture and Art*. Volume 12, Issue 3, pp. 413-435.
- Segal. Robert. Allen (2009). *Myth*. Translated by: FaridehFardNomer. Second edition. Tehran: Basirat, p. 186.
- Salajegeh. Parvin (2015). *Modern criticism in the field of poetry*. Second edition. Tehran: Morvarid, p. 113.
- Chevalier. Jean-Jacques and Gerber. Allen (2006). *The culture of symbols*. Translated by: SudabehFazaeli. Tehran: Ceyhoun, p. 179.
- Fadaie. Farbod (2008). *Carl Gustav Jung, the founder of psychology*. Third edition. Tehran: Danjeh.
- Fordham. Ferida(2009). *An introduction to Jungian psychology*. Translated by: MasoudMirbaha, Tehran: Jami, p. 87.
- Campbell. Joseph (1998). *The Power of Myth*. Translated by: Abbas Mokhbar. Tehran: Markaz Publishing House, pp. 251-133.
- Green. Wilfred and Others (2004). *Fundamentals of Literary Criticism*. Translated by: Farzaneh Taheri. Third Edition. Tehran: Niloufar, p. 166.
- Gordon. Walterki (1999). *An Introduction to Archetype Criticism: Contemporary Literary Criticism*. Translated by: Jalal Sokhanvar. Tehran: Rahnama, p. 34.
- Mozaffari. Solmaz and Kakehrash. Farhad (2013). *A Study of Character Development in the Novel "The Husband of the Deer" Based on the Archetypes of Awakening the Hero Within.* *Quarterly Journal of Fiction*, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah. Year 2, Issue 5, pp. 123-145.
- Manzavi. Neda and Seif. Abdolreza (2004). *The test of the abandoned/rejected child-hero's honor; a manifestation of the return and regression to the archetype of the eternal mother or mother-earth (case study: abandoned children in Ferdowsi's Shahnameh)*. *Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (BaharAdab)*. Year 17. Issue 2. Series 96. pp. 165-184.
- Mira'abedini. Hassan (1997). *The evolution of fiction and dramatic literature from the beginning to 1320 in the framework of the concept of fictional themes of the contemporary literature group*. Tehran: Persian Language and Literature Academy, p. 394.
- Wafi. Fariba (1992). *My Bird*. Thirty-seventh edition. Tehran: Markaz.
- Yavari. Houra (2017). *Psychoanalysis of Literature: Two Texts, Two People, Two Worlds from Bahram-e-Gur to the Blind Owl Narrator*. Tehran: Ete'lat, pp. 352-357.
- Jung. Carl Gustav (2008). *Man in Search of His Own Identity*. Translated by: Mahmoud Behforozi. Third edition. Tehran, pp. 61-62.
- \_\_\_\_\_ (1989). *Four Exemplary Forms*. Translated by: ParvinFamarzi. Third edition. Mashhad. Published by, pp. 98-23-25-26. 54-39-36.

(2011). *Memories, Dreams, Thoughts*. Translated by: Parvin Faramarzi. Fourth edition. Mashhad: Astan Quds Razavi, pp. 64-66.

### فهرست منابع فارسی

- افغانی، علی محمد (۱۳۹۷). شوهر آهو خانم. چاپ بیست و نهم. تهران: نگاه.
- امامی، نصرالله (۱۳۸۵). مبانی و روشهای نقد ادبی. تهران: جامی، ص ۲۰۲.
- اوداینیک، و (۱۳۷۹). یونگ و سیاست: اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی کارل گوستاو یونگ. ترجمه: طیب. تهران: نی، ص ۱۴۳.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۶). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه: جلال ستاری. تهران: سروش، ص ۲۴۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). چشم انداز اسطوره. ترجمه: جلال ستاری. چاپ سوم. تهران: توس، ص ۹۶.
- پرهام، سیروس (۱۳۴۰). ادبیات معاصر ایران. شوهر آهو خانم. راهنمای کتاب. شماره ۱۰. صص ۹۷۰ - ۹۷۱.
- ترقی، گلی (۱۳۸۷). بزرگ بانوی هستس. چاپ دوم. تهران: نیلوفر، صص ۴۷ - ۴۹.
- جانسون، رابرت (۱۳۹۰). عقده مادر و روابط زن و مرد. ترجمه: تورج رضا بنی صدر. تهران: لیوسا، صص ۶۴ - ۵۴.
- خطیب، رفعت و یعقوبی، علی سرور (۱۳۹۹). بررسی و مقایسه جایگاه زنان در روایت‌های محمود دولت آبادی، احمد محمود، فریبا وفی و سپیده شاملو. ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال سیزدهم. شماره نهم. پیاپی ۵۵. صص ۱ - ۲۳.
- دستمالچی، ویدا (۱۴۰۲). تحلیل روانشناختی کهن‌الگوی مادر شرور در داستانهای صادق هدایت. دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی. سال ۳۱. شماره ۹۴. صص ۱۳۵ - ۱۶۲.
- رسمی، عاتکه و رسمی، سکینه (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی کهن‌الگوی مادر مثالی در قصه‌های کوچیک فاطما و به یشین سیندرلاهای ایران و چین بر مبنای روانشناسی تحلیلی یونگ. فصلنامه پژوهشهای ادبیات تطبیقی. دوره ۱۱. شماره ۳. صص ۳۱ - ۵۹.
- روزبهرانی، طاهره و دیگران (۱۳۹۹). تحلیل کهن‌الگوی مادر (مام وطن) در رمان جای خالی سلوچ. فصلنامه پژوهاک زنان در تاریخ. سال اول. پیاپی ۱. صص ۴۱ - ۵۰.
- ستاری، جلال (۱۳۶۶). رمز و مثل در روانکاوی. تهران: توس، ص ۶۴.
- سقایان، مهدی و صحاف مقدم، مینو (۱۴۰۰). بررسی جلوه‌های کهن‌الگوی مادر در نمایشنامه اسپه‌های آسمان خاکستر می‌بارند با تکیه بر آرای یونگ. زن در فرهنگ و هنر. دوره ۱۲. شماره ۳. صص ۴۱۳ - ۴۳۵.
- سگال، رابرت. آلن (۱۳۸۹). اسطوره. ترجمه: فریده فرد نومر. چاپ دوم. تهران: بصیرت، ص ۱۸۶.
- سلاجقه، پروین (۱۳۹۴). نقد نوین در حوزه شعر. چاپ دوم. تهران: مروارید، ص ۱۱۳.
- شوالیه، ژان ژاک و گریبان، آلن (۱۳۸۵). فرهنگ نمادها. ترجمه: سودابه فضائلی. تهران: جیحون، ص ۱۷۹.
- فدایی، فرید (۱۳۸۷). کارل گوستاو یونگ بنیانگذار روانشناسی. چاپ سوم. تهران: دانژه.
- فوردهام، فریدا (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ. ترجمه: مسعود میربها، تهران: جامی، ص ۸۷.
- کمیل، جوزف (۱۳۷۷). قدرت اسطوره. ترجمه: عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، صص ۲۵۱ - ۱۳۳.
- گرین، ویلفرد و دیگران (۱۳۸۳). مبانی نقد ادبی. ترجمه: فرزانه طاهری. چاپ سوم. تهران: نیلوفر، ص ۱۶۶.
- گوردن، والترکی (۱۳۷۹). درآمدی بر نقد کهن‌الگویی: نقد ادبی معاصر. ترجمه: جلال سخنور. تهران: رهنما، ص ۳۴.

- مظفری، سولماز و کاکه‌رش. فرهاد (۱۳۹۲). بررسی تکامل شخصیت در رمان شوهر آهو خانم بر پایه کهن‌الگوهای بیداری قهرمان درون. فصلنامه ادبیات داستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه. سال دوم. شماره ۵. صص ۱۲۳ - ۱۴۵.
- منزوی، ندا و سیف. عبدالرضا (۱۴۰۳). آزمون تشرّف کودک - قهرمان رها شده / طرد شده؛ نمودی از بازگشت و رجعت به کهن‌الگوی مادر ازلی یا مادر - زمین (مورد کاوی: کودکان رها شده در شاهنامه فردوسی). نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ۱۷. شماره ۲. پی در پی ۹۶. صص ۱۶۵ - ۱۸۴.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷). سیر تحول ادبیات داستانی و نمایشی از آغاز تا ۱۳۲۰ شمسی در چارچوب طرح تصور مضامین داستانی گروه ادبیات معاصر. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۳۹۴.
- وفی، فریبا (۱۴۰۲). پرنده من. چاپ سی و هفتم. تهران: مرکز.
- یاوری، حورا (۱۳۹۶). روانکاوی ادبیات: دو متن، دو انسان، دو جهان از بهرام گور تا راوی بوف کور. تهران: اطلاعات، صص ۳۵۲ - ۳۵۷.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۷). انسان در جست و جوی هویت خویشتن. ترجمه: محمود به فروزی. چاپ سوم، تهران، صص ۶۱ - ۶۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). چهار صورت مثالی. ترجمه: پروین فرامرزی. چاپ سوم. مشهد. به نشر، صص ۹۸ - ۲۳ - ۲۵ - ۲۶. ۳۶-۳۹-۵۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). خاطرات، رویا، اندیشه‌ها. ترجمه: پروین فرامرزی. چاپ چهارم. مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۶۴ - ۶۶.

#### معرفی نویسندگان

طاهره روزبهانی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

(Email: [t.rozbahani@iaub.ac.ir](mailto:t.rozbahani@iaub.ac.ir))

(ORCID: 0000-0001-5095-7423)

حجت‌اله غ منیری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

(Email: [Hojatolah.Ghmoniri@iau.ac.ir](mailto:Hojatolah.Ghmoniri@iau.ac.ir) : نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0001-9388-4500)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

طاهره روزبهانی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

(Email: [t.rozbahani@iaub.ac.ir](mailto:t.rozbahani@iaub.ac.ir))

(ORCID: 0000-0001-5095-7423)

حجت‌اله غ منیری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران.

(Email: [Hojatolah.Ghmoniri@iau.ac.ir](mailto:Hojatolah.Ghmoniri@iau.ac.ir) : Responsible author)

(ORCID: 0000-0001-9388-4500)